

بررسی نقش درس دینی در بین دانش آموزان

علی رضائی

کارشناس الهیات گرایش فقه و مباحث حقوق

کد ملی: ۳۳۳۰۱۲۴۰۹۱

چکیده

تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال هدفدار جهت آموزش گزاره های یک دین به افراد به نحوی که نسبت به آن گزاره ها متعهد و پایبند باشند. با توجه به اهمیت تربیت دینی در رشد و شکل گیری شخصیت انسان و با در نظر گرفتن نقش آموزندگی کتب دین و زندگی در این راستا دین اسلام به منزله آخرین دین آسمانی، در تعالیم خود توجه و اهتمامی ویژه به ترتیب انسانها داشته است. توجه به ترتیب دینی و اخلاقی از دیدگاه اسلام، همواره به مثابه اصلی مهم و اساسی در سعادت انسانها و نیز دور ماندن آنها از گناهان و ناپاکی ها؛ مورد توجه بوده و هست. تربیت در آموزش متوسطه به دو دلیل اساسی دارای اهمیت است: اول، به سبب ویژگی های مخاطبان این دوره است و دوم، به دلیل کارکردهای چندگانه ای است که برای فراگیران این مقطع در نظر گرفته شده است. با وجود اهمیت این مقطع در مقاله حاضر که به صورت مروری انجام گرفته است به بررسی تاثیر آموزش درس دین و زندگی بر تربیت دینی در دانش آموزان مقطع متوسطه می پردازیم.

کلید واژگان: دین، دانش آموزان، اسلام، تربیت

مقدمه

انسان شایستگی رسیدن به همه‌ی کمالات الهی را دارد و آفریده شده تا خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین شود. برای رسیدن انسان به چنین مقامی نیاز است تا در مسیر دین قدم بردارد و در جهت آن رشد کند. در این راه افراد و گروه‌های مختلفی با انسان همراه هستند و می‌توانند به عنوان راهنما، او را در مسیر دین تربیت کنند و به بالا ببرند یا در مسیر غیر دینی او را از مقصد دورتر کنند. مدرسه یکی از این عوامل است که قرار است در این مقاله نقش آن در تربیت دینی دانش‌آموزان بررسی شود.

بیان مسأله

جامعه‌ی دینی نیاز به تربیت دینی دارد تا افراد در آن استعدادهایشان را شکوفا سازند. شیوه‌ی تربیتی مدرسه بر شخصیت دانش‌آموزان بسیار مؤثر است. تربیت در همه‌ی ابعاد اعتقادی، عبادی و اخلاقی با توجه به ابعاد وجودی انسان کار ساده‌ای نیست. لذا لازم است همه‌ی عوامل مؤثر بر تربیت در مدرسه و خارج از آن به طور هماهنگ به تربیت افراد بپردازند. در این نوشتار سعی شده مسئولیت سنگین اجزای مدرسه در برابر تربیت دینی دانش‌آموزان بیان شود.

اهمیت و ضرورت

فلسفه بعثت انبیا به صراحت کتب آسمانی به ویژه قرآن کریم، سعادت انسان است. در اهمیت تربیت دینی همین بس که صد و بیست و چهار هزار پیامبر مبعوث شدند تا به این مهم بپردازند. همچنین پیامبر اسلام نیز از میان افراد امی برگزیده شده است (جمعه/۲) تا انسان‌ها به سعادت برسند. در جامعه‌ی امروز مدرسه از جایگاه مهمی در تربیت دانش‌آموزان برخوردار است و می‌تواند فعالیت خود را در این زمینه در جهت مثبت و یا منفی به انجام برساند. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که چگونگی تربیت دینی در مدرسه و آسیب‌های احتمالی آن مورد بررسی قرار گیرد.

تربیت دینی

تربیت در ادیان و مکاتب مختلف تعاریف گوناگونی دارد اما در حوزه فرهنگ اسلامی برخی گفته‌اند: «تربیت یعنی انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود، و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند.

«دین مجموعه‌ای از آموزه‌های نظری درباره جهان و انسان و آفریدگار این دو و هنجارهای اخلاقی و دستورهای عملی مبتنی بر آن آموزه‌ها با سه هدف اعتقاد، تخلق و عمل است.»

«تربیت دینی به معنای فراهم کردن زمینه فراگیری و به کار بستن اصول منطقی و فلسفی است، به گونه‌ای که در نتیجه آن متربی بتواند مسائل دینی را درک کند و اعتقاداتش به باورهای دینی و عملش به دستورهای آن از روی آگاهی باشد.»

ساختار دین اسلام

از نظر شهید مطهری معارف اسلام (گزاره‌های معتبر اسلام) عمدتاً در سه مقوله‌ی کلی اعتقادات، اخلاقیات و احکام قرار می‌گیرند. با توجه به گستره‌ی اسلام، تربیت اسلامی نیز سه بخش خواهد داشت، تربیت اعتقادی، تربیت اخلاقی و تربیت احکامی (تربیت عبادی و تربیت معاملی).

تربیت اعتقادی

اعتقادات بخشی از دین اسلام را تشکیل می‌دهد، از این رو دین داری یک فرد مسلمان در صورتی کامل و پذیرفته است که از نظر اعتقادی کمبودی نداشته باشد (نساء/۱۳۶). دوم اینکه بخشی از کارکردهای مهم دین که امروز بر آن تأکید می‌شود وابسته به اعتقادات و حاصل آن است. معنا بخشی به زندگی، معنا دادن به درد و رنج‌هایی مانند تنهایی، احساس ظلم و بی‌عدالتی و از بین بردن ترس از مرگ، تنها از عهده‌ی دین بر می‌آید. سوم اینکه اعتقاد به عقاید اسلامی - شرط لازم نه شرط کافی - برای پایبندی به دیگر دستورات اسلام است. یعنی اگر کسی به این امور اعتقاد نداشته باشد، هیچ‌گاه به دستورهای اسلام پایبند نخواهد بود. لذا لازم است تربیت اعتقادی مقدم بر تربیت اخلاقی و عبادی باشد.

هدف تربیت اعتقادی سه بخش دارد: ۱. پرورش شناخت نسبت به خدا، پیامبر، ائمه و معاد. ۲. پرورش پذیرش و تسلیم نسبت به خدا، پیامبر، ائمه و معاد ۳. پرورش محبت و علاقه نسبت به خدا، پیامبر، ائمه و معاد.

تربیت اخلاقی

مکارم اخلاق از ارزش‌های انسانی است که با روح مجرد و ملکوتی او تناسب و سنخیت دارد و تخلق به آنها موجب تکامل نفس و تقرب الی الله و نیل به سعادت اخروی خواهد بود. از طرف دیگر رذایل اخلاقی موجب شقاوت خواهد شد. اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی انسان نیز تأثیر به‌سزایی دارد. سلامت و آرامش روانی هر انسانی تا حد زیادی مربوط به خلق و خوی اوست. هدف تربیت اخلاقی را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد:

۱. پرورش فضایل و از میان بردن رذایل (پرورش توانایی پایبندی عملی به ارزش‌های اخلاقی): آراستن نفس مرتبی به فضایل و پیراستن آن از رذایل، این توانایی را در مرتبی ایجاد می‌کند که در مقام عمل، به ارزش‌های اخلاقی پایبند باشد و موانع درونی و بیرونی نتواند او را از پایبندی به ارزش‌ها منحرف کند.

۲. پرورش فهم و تعقل اخلاقی: پرورش فهم و شناخت اخلاقی، از آن رو ارزشمند است که مرتبی را یاری می‌کند تا بطور مستقل رفتارهای درست را از نادرست تمیز دهد و وظیفه‌ی اخلاقی خود را در موقعیت‌های مختلف باز شناسد. نکته‌ی دیگر این است که پرورش فضایل و از میان بردن رذایل یا همان توانایی عمل به شناخت اخلاقی بدین معناست که، شخص پس از تشخیص به وظیفه‌ی خود عمل کند و تحت تأثیر بازدارنده‌های درونی و بیرونی قرار نگیرد.

هدف تربیت دینی

از نظر امیر مؤمنان (ع) هدف تربیت دینی، تربیت موحدان به توحید حضوری است، موحدانی که نه تنها به صورت عقلانی، یگانگی خداوند خالق را پذیرفته باشند. بلکه دخالت او را نیز در جهان طبیعی و عالم انسانی باور و حضور مؤثر و فراگیر او را در متن هستی (به ویژه در متن حیات انسانی) با تمام وجود احساس کنند و بر اساس ایمان به «در محضر حق بودن» تقوا پیشه سازند. تربیت دینی علوی در صدد این است که حضور همیشگی و همه جا حق را در ذهن و دل مرتبی تثبیت کند. این همان ایمان و حق‌الیقین است. این حق‌الیقین بالاترین مرحله شناخت به شمار می‌رود که عشق به معشوق سبب رسیدن به این نوع شناخت می‌شود. وقتی مرتبی به این شناخت و احساس دست یافت، در عمل نیز پیوسته مطیع و فرمانبردار خداوند خواهد بود. در حقیقت برای رسیدن به هدف اصلی که توحید حضوری است، سه هدف میانی وجود دارد که بیان آن بر اساس طبقه بندی متخصصان تعلیم و تربیت به این صورت است: ۱. حیطه شناختی: شناخت خداوند و اعتقاد به اینکه او یگانه وجود مستقل است و انسان، موجودی ربطی و فقیر بالذات و همواره در محضر اوست. ۲. حیطه‌ی عاطفی: برانگیختن احساسات و هیجانات مرتبی و ایجاد وابستگی و عشق به خداوند ۳. حیطه‌ی حسی - حرکتی: تعبد در برابر دستورات الهی و تنظیم رفتار بر اساس آن دستورها.

رابطه‌ی ابعاد وجودی انسان با تربیت دینی

انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است. هر یک از این ابعاد در جای خود مهم اند و با این که با هم متفاوت اند اما بر یکدیگر مؤثر و در ارتباط اند. این ابعاد قابلیت رشد و شکوفایی دارند بنابراین لازم است تا در جهت شکوفایی شان تربیت شوند و به کمال برسند. دین اسلام نیز با در نظر گرفتن این ابعاد به تربیت افراد می‌پردازد و از هیچ کدام غافل نمی‌شود. آموزش‌های دین اسلام سه بخش کلی دارد که شامل اعتقادات، اخلاقیات و احکام است. اعتقادات خود دارای اصول و فروعی هست که پنج اصل آن در اولویت قرار دارد و اعتقاد به آنها واجب است: این اصول توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد هستند که لازمه و مقدمه‌ی پذیرش فروع دین می‌باشند.

توجه به اخلاق در دین اسلام بسیار زیاد است. چراکه با اخلاق است که زندگی برای فرد و اجتماع زیبا می‌شود. جامعه‌ای که افراد در آن مسئولیت خود را نمی‌شناسند، نسبت به یکدیگر مهربانی ندارند، هرکس به فکر منافع و لذت‌های خود است و عدالت را رعایت نمی‌کنند، جامعه‌ای دینی نیست. در چنین جامعه‌ای پیشرفت‌های فردی و اجتماعی رخ نخواهد داد. اخلاق دینی و عمل به دستورات خداوند به صورت صحیح و پایدار نشان دهنده‌ی ایمان استوار است و جامعه را پویا می‌کند و عدالت

را در تمام جوانب به ارمغان می‌آورد. اعمال عبادی در واقع ظواهر دین هستند و نمایانگر باطن زیبای دین. تربیت دینی انسان با توجه به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری اش میسر است. با توجه به بعد شناختی می‌توان به آموزش افراد پرداخت و اطلاعات و آگاهی‌های آنان را در رابطه با اصول اعتقادی، اخلاقی و احکام و کلیات قواعد آنها بالا برد. شناخت نیز دارای مراحل و درجاتی است. حفظ کردن معارف دینی به تربیت دینی منجر نمی‌شود؛ آنچه در مراحل اولیه مهم است، فهم معارف و توانایی کاربرد عملی آنها در زندگی است. با توجه به بعد عاطفی می‌توان با برانگیختن احساسات و عواطف افراد، انگیزه‌ی عمل را در آنان ایجاد کرد. آنگاه بعد رفتاری خود را نشان می‌دهد و فرد در میدان عمل فضایل اخلاقی را در خود پرورش داده و به احکام دین پایبند می‌شود. اینجاست که به غایت کمال خود رسیده و بنده‌ی مطیع پروردگار می‌شود که این همان هدف تربیت دینی است.

شخصیت انسان تحت تأثیر عوامل مختلف درونی مثل اراده، فطرت و وراثت و عوامل بیرونی مثل خانواده، مدرسه، رسانه هاو. . . شکل می‌گیرد. نقش مهم خانواده در عرصه‌ی تربیت دینی فرزندان غیر قابل انکار است اما فرزندان تا سالها در مدرسه که به منزله‌ی خانواده‌ی دوم آنان است، عمر سپری می‌کنند. پس بسیار ضروری است تا به شیوه‌ی صحیح و دینی تربیت شوند. در مدرسه هر جزئی از جمله معلم، کتب درسی، هم کلاسی ها، مدیر و حتی مستخدم مدرسه در ارتباط با دانش آموز قرار دارند بنابراین دور از ذهن نیست که همه‌ی این عوامل بر افکار، گفتار و کردار دانش آموز موثر باشند.

معلم و تربیت دینی دانش آموزان

معلم را می‌توان مهم ترین عنصر مدرسه دانست؛ به همین دلیل ویژگی‌های معلم و اصولی که لازم است در قبال تربیت دینی دانش آموزان رعایت کند بسیار حساس اند.

اصول تربیت

منظور از اصول تربیت مبنا و ملاک کار و عمل شاگرد و مربی می‌باشد که در ضمن عمل در حین آموختن و هدایت کردن، هم آموزگار و هم شاگرد را به کار می‌آیند.

محبت و مهرورزی

اساسا تحقق امر تربیت منوط به ایجاد پیوند عاطفی بین مربی و متربی می‌باشد. ابراز محبت مربی، به دل بستگی متربی جهت می‌دهد. هنگامی که شیفتگی متربی به مربی ایجاد شد می‌توان زمینه‌ی التزام عمل فرد را به انجام امور فراهم کرد. با توجه به اینکه انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است، توجه به این ابعاد ضروری است. بعد شناختی انسان با آموزش دادن رشد می‌کند اما این آموزش در صورتی منجر به رفتار دینی در دانش آموز می‌شود که انگیزه‌ی او برای عمل کردن وجود داشته باشد. منظور از این انگیزه همان شناخت ذهنی و باور قلبی و محبت و علاقه نسبت به اصول اعتقادی، اخلاقی و احکام است. یکی از عوامل ایجاد ایمان، گرایش دو طرفه و پیوند عاطفی بین مربی و متربی است. با این جاذبه راه معلم برای الگو شدن بازتر می‌شود. محبت معلم نسبت به شاگردش نه از روی تظاهر، بلکه به عنوان یک انسان در مسیر هدایت، موجب می‌شود تا دانش آموز نیز نسبت به او حس محبت و علاقه پیدا کند و او را الگو قرار دهد، چرا که علاقه به یک شخصیت موجب پیروی از او می‌شود و بالعکس تنفر از یک شخصیت موجب دوری از او و حتی تنفر از آنچه به آن امر می‌کند و به آن اعتقاد دارد، می‌شود.

رعایت اعتدال

هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکتی مطلوب باشد. آیین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرا می‌خواند و مجموعه‌ی قوانین، مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که مردمانی متعادل تربیت شوند.

در تمامی مراحل تربیت دانش آموزان به سمت قله‌ی دین، همواره باید به این اصل توجه داشت که جانب تعادل رعایت شود. چراکه ظرفیت و توانایی انسانها متفاوت است. باید به زمینه‌های قبلی هر فرد توجه داشت؛ مثلا محیط‌هایی که فرد در آن قرار داشته و یا میزان درک و استعداد ذهنی و روحی دانش آموز برای پذیرش معارف اسلامی. متناسب با ظرفیت دانش آموزان، باید

آموزش‌ها، شیوه‌ی بیان و انتظارات را طبقه‌بندی کرد. اگر انتظارات و آموزش‌ها بالاتر از حد توان و درک دانش‌آموز باشد باعث دلسردی و خستگی دانش‌آموز می‌شود و در نتیجه از ادامه‌ی راه باز می‌ماند. از طرف دیگر اگر آموزش‌ها، توقعات و تشویق و تنبیه پایین‌تر از سطح دانش‌آموز باشد، تأثیرات لازم را نخواهد داشت و زمینه‌ی تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی را فراهم نمی‌کند.

در بررسی آسیب‌شناسی تربیت دینی لازم است به عوامل مؤثر بر تربیت توجه شود. خانواده پایه‌های تربیت را در کودک می‌سازد. ارزش‌های خانواده و راهکارهایی که خانواده در تربیت دینی دانش‌آموزان استفاده می‌کند، در صورتی که صحیح، با رعایت اصول و مطابق با آموزه‌های دین باشد، منجر به تربیت دینی و در غیر این صورت، غیر مفید است. اعتقادات خشک و بی‌منطق پدر و مادر نمی‌تواند نسل جدید را که در دنیای پر از شبهات و حمله‌ی انواع گروه‌های ضد دین قرار دارند، قانع کند. بنابراین او به سراغ منابع دیگری می‌رود تا خلأ خود را پر کند و جواب سؤالاتش را بگیرد.

اگر خانواده فرزندان را به شیوه‌ی غیر دینی تربیت کند، با آموزه‌های دینی که احیاناً از طرف مدرسه به آنان القا می‌شود، در تعارض خواهد بود و دانش‌آموز دچار سردرگمی می‌شود. این دانش‌آموزان معمولاً افکار و رفتار خانواده را با خود به مدرسه برده و خواسته یا ناخواسته به سایرین نیز منتقل می‌کند. بنابراین تحولاتی در نوع ارزش‌های سایر دانش‌آموزان به وجود می‌آید.

عکس این قضیه نیز امکان‌پذیر است، یعنی ارزش‌های خانواده دینی و ارزش‌های مدرسه غیر دینی باشد. این تعارض آسیب‌زا است. معلمان در وهله‌ی اول الگوی دانش‌آموزان اند و در مرحله‌ی بعد به عنوان یک مربی تربیتی به شیوه‌های مختلف ایفای نقش می‌کنند. پس لازم است که اصول تربیت را رعایت کنند. تربیت اشتباه یا الگو برداری دانش‌آموز از یک شخصیت غیر دینی، شخصیتی از دانش‌آموز می‌سازد که دینی نیست.

کتاب‌های درسی اگر به ابعاد تربیت و ابعاد وجودی مخاطبان توجه نداشته باشد یا اصول تربیتی در آن رعایت نشود، غیر مفید و حتی مخرب اند. کتاب‌هایی که لحن سنگین و نا زیبا دارند، متناسب با سن دانش‌آموزان طراحی نشده‌اند، مسائل دینی را به شیوه‌ی صحیح تبیین نکرده‌اند و به طور ناقص به تربیت دینی مبادرت می‌کنند، تربیتی دینی را در دانش‌آموزان ایجاد نخواهند کرد.

دانش‌آموزان الگوها و آموزه‌ها را از نهادهای مختلف اجتماعی مثل خانواده، مدرسه، محیط معاشرت، رسانه‌ها و... مشاهده می‌کنند و در نهایت یکی از روش‌ها یا ترکیبی از آنان را می‌پذیرند. انتخاب الگوی غیر دینی یا دریافت ارزش‌ها از افراد متفاوت که برخی دینی و برخی غیر دینی‌اند شخصیت فرد را متناقض می‌سازد که قطعاً دینی نیست.

نتیجه‌گیری:

تربیت دینی یعنی فعالیت‌های منظم و منطقی جهت تربیت ابعاد وجودی انسان در قالب دین به گونه‌ای که متربی به اصول عقاید، اخلاق و احکام شناخت و ایمان پیدا کند و این شناخت منجر به عمل پایدار در او شود. در این صورت به هدف تربیت دینی یعنی عبادت و بندگی خداوند خواهد رسید.

انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری می‌باشد. برای تربیت صحیح لازم است به این ابعاد توجه شود تا امر تربیت آسان‌تر و نتیجه، قطعی‌تر باشد.

تربیت دینی دارای ابعاد اعتقادی، اخلاقی و عبادی است. اعتقادات پایه‌های عمل هر فرد را تشکیل می‌دهند. اخلاق و عبادات در واقع نتیجه‌ی اعتقادی است که همراه با شناخت و ایمان باشد. بنابراین پرداختن معلم و کتب درسی به ابعاد تربیت دینی، ضروری است. شیوه‌ی اثر گذاری دانش آموزان بر یکدیگر نیز با درگیر کردن ابعاد انسان یعنی تأثیر بر شناخت ها و احساسات فرد است که در نتیجه‌ی آن رفتار فرد متناسب با ارزش‌های القا شده تغییر می‌کند.

معلمان می‌توانند در جهت افزایش شناخت دانش آموزان نسبت به آموزه‌های دین نقش‌های الگویی و آموزشی داشته باشند. این آموزش در صورتی کارساز خواهد بود که در همه‌ی زمینه‌های شناختی، احساسی و عملی انجام گیرد. ویژگی‌های معلم مانند تربیت دینی، اخلاق نیک، مطابقت گفتار و کردار، محبوبیت و مقبولیت او در نفوذ او در دانش آموزان تأثیر مثبت دارد. علاوه بر الگو بودن و آموزش دادن در صورتی که معلم اصول تربیت را به کار گیرد، می‌توان گفت وظیفه‌ی خود را به عنوان یک مربی انجام داده است. محبت به دانش آموز دین را برای او زیبا می‌کند و علاقه و انگیزه‌اش را بیشتر. زمینه‌سازی و شروع تدریجی، راه را برای دانش آموز هموارتر می‌کند. رعایت اعتدال در تمامی مراحل تربیت پیشرفت متربی را مداوم و آسان خواهد کرد. حفظ حریت و آزادی دانش آموز، موجب می‌شود تا معلم شناخت بیشتر از او به دست آورد و دانش آموز نیز حس اجبار و اکراه در انجام امور نداشته باشد و در سایه‌ی عقل خویش استعدادهايش را شکوفا کند. گرمی داشت شخصیت دانش آموز، عزت نفس را به دنبال خواهد داشت و عزت نفس او را از لغزش ها و وسوسه‌های افراد نااهل باز می‌دارد. نظارت و مراقبت مستمر از دانش آموز باید در تمام مراحل وجود داشته باشد تا تلاش‌های معلم و دانش آموز به نتیجه برسد.

همکاری و هماهنگی تمام معلمان و به کارگیری اصول تربیت ضروری است. هماهنگی و هم عقیده بودن همه‌ی معلمان ضمن تأیید حق بودن دین اسلام موجب یاد آوری و تکرار آموزه ها نیز می‌شود. در صورتی که معلمان در جهت تربیت دینی دانش آموزان با یکدیگر همانگ نباشند یا اصول تربیت را به درستی بکار نگیرند، موجب تنفر دانش آموز از دین می‌شود.

کتب درسی نیز مانند یک معلم هستند. ارائه‌ی الگوها، استفاده از مطالب متنوع و نظرات شخصیت ها و مباحثی که دانش آموزان بیشتر به آن علاقه دارند، به شرطی که در جهت تربیت دینی باشد، غنی و مفید خواهد بود. در کتب درسی تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی باید با توجه به ابعاد وجودی انسان صورت بگیرد تا منجر به تربیت دینی شود. تعارض در ارزش‌های کتب درسی، عدم توجه همه‌ی کتب به آموزه‌های دینی، متناسب نبودن متون با علایق دانش آموزان، به کار نگرفتن ابعاد اصول تربیت و عدم توجه به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دانش آموزان، موجب آسیب به تربیت دینی دانش آموزان خواهد شد.

گروه همسالان و دوستان از طریق ارائه‌ی الگو، تشویق و تنبیه، ارزیابی رفتارهای اعضاء و مبادله‌ی اطلاعات بر ارزش‌های یکدیگر اثر می‌گذارند. دانش آموزانی که ارزش‌های دینی در آنها نهادینه شده است، به تربیت دینی سایر دانش آموزان کمک کرده و دانش آموزانی که ارزش‌هایشان ضد دینی است موجب آسیب به تربیت دینی سایر دانش آموزان می‌شوند.

تعارض در آموزه‌های معلم، کتب درسی و دوستان موجب آسیب به تربیت دینی دانش آموزان می‌شود. همچنین تعارض در شیوه‌ی تربیتی مدرسه و خانواده و سایر نهادهای اجتماعی، موجب سردرگمی دانش آموز و در نهایت آسیب به تربیت دینی او می‌شود.

منابع و مأخذ

1. احمدی، سیداحمد. (۱۳۷۴). مفهوم تربیت دینی و راه های وصول به آن، ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت با عنوان تربیت دینی کودکان و نوجوانان.
2. امینی، ابراهیم. (۱۳۷۳). اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
3. حاج حسینی، نجیب الله. (۱۳۸۸). عوامل موثر بر شکل گیری و تقویت عزت نفس از دیدگاه اسلام، مجتمع آموزش عالی فقه.
4. رحیمی نژاد، اسماعیل. (۱۳۹۰). نگرش اسلامی به کرامت انسانی، مجله معرفت حقوقی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۲۶-۱۱۳.
5. سیدپور آذر، حسن. (۱۳۹۳). محبت ورزی در همزیستی اخلاقی از منظر قرآن کریم، دو فصلنامه تخصصی اخلاق، سال دوم، شماره ۶، صص ۲۴-۵.
6. شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۶۶). مبانی روان شناختی تربیت، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
7. صابری علی. (۱۳۹۶). تعریف جامعه سالم، مجله علمی تخصصی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، آبان ماه ۱۳۹۶.